

فرهنگ‌یختان

ایوب آقاخانی، کارگردان و بازیگر تئاتر:

کتاب موج‌سوار لزوما کتاب خوب نیست

فرهنگ‌یختان

می گوید از دوران کودکی کتاب برایش مهم بوده و

اولویت داشته است، در میانه گفت‌وگو هر بار نامی

از کتابی می‌آید می‌چنان و ذوق آن خاطراتش و اولین

مواجهه‌اش با آن کتاب صحبت می‌کرد. ایوب آقاخانی برای دوستداران

هنر تئاتر آشناست، در گفت‌وگویی که با او داشتیم از کتاب، زبان فارسی

و البته نمایشنامه صحبت کردیم.

■

خدا شمت آقای آقاخانی سلام عرض کنیم و خوشحال هستیم با شما

گفت‌وگویی کنیم، ویریزنامه ما درباره کتاب است و با همه کسانی که صحبت

می‌کنیم، دایم درباره کتاب حرف می‌زنیم. شما به‌عنوان یک اهل تئاتر

کمدی را بیشتر ترجیح می‌دهید یا تراژدی؟

من صدقانه بگویم کتاب را ترجیح می‌دهم. این معنا که پیشی‌بینی ندارم تراژدی روی من اثر آن را خواهد گذاشت با کمدی من کمدی بوده‌ی آن را

می‌شناسم که من ذهن و روان من را کن فیکون کرده و تراژدی و سبک‌تری‌کند.

کمدی‌های اولیه هم در ابتدا به‌مصومه چهره‌های خنده‌دار می‌بودند که برای مردمان آن دوران معنا داشت. مثلاً تئاتر مخبر ک فیلوسوف آن دوران بگوید که

مضامینی برسید که بعد از کمدی شما ساخته شد. کمدی‌های کهن ایندا

بنوانه برای من تأمین کند، ما فیها و عصاره این کلمه را برای من تأمین کند،

این ریخته‌ست و مهر است و مساله اثر خلی رمان نیست. گرچه که بیشتر

این تأثیر را در کمدی پیدا نمی‌کنم. کمتر اتفاق می‌افتد در کمدی این با شما

بیاچار برای من رخ دهد. اما باز هم قطعی نمی‌گویم. برای اینکه گاهی واقعا

این اتفاق می‌افتد. آثار ژیل سایمون برای من افتاده که در تفسیر نیافته‌ام

است. اگر این تأثیر روی من بگذارد، من بعد نگاه می‌کنم تا ببینم باز چه

بوده است. اما اگر منعمه آماری را در نظر بگیرم ناگزیرم بگویم تراژدی! ولی

ترجیح من دهم این طور نگاه نکنم.

رو یکی از فرهنگ‌های عالی‌ترین کشور بودیم. اسم رمان لاک آند گفت

جاد لاک چیست؟ من می‌خواهم از خدمت شما سوال کنم برای آدم‌هایی که

ممکن است کمتر بدانند. تراژدی و کمدی چیست یا چیست؟

جدای از فیلسوف معروف تاریخ که شما اسم بردید، ببینیم تراژدی و کمدی چه

هستند.تراژدی اولین تراژن در مورد بازی بر سر است. یعنی اولین نمایش‌هایی که

در یونان باستان شکل گرفتند هم از روی داستان‌های سینه به سینه روی صحنه

آمدند و اولین مصنفین این داستان‌های سینه به سینه، اولین نمایشنامه‌نویسان

تاریخ شدند.مثل اریپیدس، سوفوکل و امثال‌ها اینها اولین داستان‌هایی‌که

انتخاب کردند.به همین ترتیب روی صحنه پیدا بودند.تغصیف دینی به‌عکس

به‌عکس بود.در آن‌گونه که در تعزیه این حال به ما دست می‌دهد، تراژدی بودند.

این که تراژدی بودند یعنی چه بودند؟این بود که زینبات سرنوشت تلخ

و هژیا کئی‌ژنگی قهرمان زاتیر الشعلام غور خاوری می‌داد، باز نزدیک‌تر به‌عکس چشـم

باید هم آنها قهرمان به سینه می‌کشید حـمل کرد. تراژدی معمولاً شامل چند

نکته مهم است که شکل می‌گیرد. یکی از آنها همان ریاست است یعنی اشیاء، تراژیک

قهرمانا قهرمان یک اشیاء را مرکب می‌شود و همین اشیاء باعث یوز تراژدی

می‌شود. یکی که استیروف است که آن هم فاجعه پائینی را می‌گویند که محصول

همان ریاست است. محصول خضاست. این کونتراین و علم‌ترین توضیحی است که

می‌توان بیان کنیم. من فکر می‌کنم بعد از آنکه اشیاء افتاد، اشیاء را نباید که

روی صحنه می‌شود. در واقع دومین اثر تاریخ تئاتر یک بحث تاریخی به‌عنوان استادی

و بازی، کمدی است. در کمدی آن چیزی که اتفاق می‌افتد اتفاق پائیان خوش

داستان است با هر پیشینی که وجود دارد. هیچ بازی در تئاتر و داستانی به این

معنا که به انداز تراژدی برای منطقی جلوه دادن واقع زینت نیست باز بگذاریم،

تفنگ‌گذاری کنیم. همچنین تا توسط مخاطب بار شود. منطق‌ای خود را دارد و با

پاسا باقی‌بقیه‌های کونتراین می‌تواند عاطفانی به‌عطفه دیگر با سبک‌تری‌کند.

به راحتی می‌توان طی کرد از موقعیتی به موقعیت دیگر در ضمن همان‌گونه که

گفتم با هر پیشینی. داستان که با یک فرجام خوش یا بد ختم می‌شود. نتیجه می‌رسد

که معمولاً در خدمت تفرج مخاطب است. یعنی ذهن او را نسبت به تمام

حواسی که از نظر نظری و عاطفی در خود حمل می‌کند آزرده و سبک‌تری‌کند.

کمدی‌های اولیه هم در ابتدا به‌مصومه چهره‌های خنده‌دار می‌بودند که برای مردمان آن دوران معنا داشت. مثلاً تئاتر مخبر ک فیلوسوف آن دوران بگوید که

مضامینی برسید که بعد از کمدی شما ساخته شد. کمدی‌های کهن ایندا

بنوانه برای من تأمین کند، ما فیها و عصاره این کلمه را برای من تأمین کند،

این ریخته‌ست و مهر است و مساله اثر خلی رمان نیست. گرچه که بیشتر

این تأثیر را در کمدی پیدا نمی‌کنم. کمتر اتفاق می‌افتد در کمدی این با شما

بیاچار برای من رخ دهد. اما باز هم قطعی نمی‌گویم. برای اینکه گاهی واقعا

این اتفاق می‌افتد. آثار ژیل سایمون برای من افتاده که در تفسیر نیافته‌ام

است. اگر این تأثیر روی من بگذارد، من بعد نگاه می‌کنم تا ببینم باز چه

بوده است. اما اگر منعمه آماری را در نظر بگیرم ناگزیرم بگویم تراژدی! ولی

ترجیح من دهم این طور نگاه نکنم.

رو یکی از فرهنگ‌های عالی‌ترین کشور بودیم. اسم رمان لاک آند گفت

جاد لاک چیست؟ من می‌خواهم از خدمت شما سوال کنم برای آدم‌هایی که

ممکن است کمتر بدانند. تراژدی و کمدی چیست یا چیست؟

جدای از فیلسوف معروف تاریخ که شما اسم بردید، ببینیم تراژدی و کمدی چه

هستند.تراژدی اولین تراژن در مورد بازی بر سر است. یعنی اولین نمایش‌هایی که

در یونان باستان شکل گرفتند هم از روی داستان‌های سینه به سینه روی صحنه

آمدند و اولین مصنفین این داستان‌های سینه به سینه، اولین نمایشنامه‌نویسان

تاریخ شدند.مثل اریپیدس، سوفوکل و امثال‌ها اینها اولین داستان‌هایی‌که

انتخاب کردند.به همین ترتیب روی صحنه پیدا بودند.تغصیف دینی به‌عکس

به‌عکس بود.در آن‌گونه که در تعزیه این حال به ما دست می‌دهد، تراژدی بودند.

این که تراژدی بودند یعنی چه بودند؟این بود که زینبات سرنوشت تلخ

و هژیا کئی‌ژنگی قهرمان زاتیر الشعلام غور خاوری می‌داد، باز نزدیک‌تر به‌عکس چشـم

باید هم آنها قهرمان به سینه می‌کشید حـمل کرد. تراژدی معمولاً شامل چند

نکته مهم است که شکل می‌گیرد. یکی از آنها همان ریاست است یعنی اشیاء، تراژیک

قهرمانا قهرمان یک اشیاء را مرکب می‌شود و همین اشیاء باعث یوز تراژدی

می‌شود. یکی که استیروف است که آن هم فاجعه پائینی را می‌گویند که محصول

همان ریاست است. محصول خضاست. این کونتراین و علم‌ترین توضیحی است که

می‌توان بیان کنیم. من فکر می‌کنم بعد از آنکه اشیاء افتاد، اشیاء را نباید که

روی صحنه می‌شود. در واقع دومین اثر تاریخ تئاتر یک بحث تاریخی به‌عنوان استادی

و بازی، کمدی است. در کمدی آن چیزی که اتفاق می‌افتد اتفاق پائیان خوش

داستان است با هر پیشینی که وجود دارد. هیچ بازی در تئاتر و داستانی به این

معنا که به انداز تراژدی برای منطقی جلوه دادن واقع زینت نیست باز بگذاریم،

تفنگ‌گذاری کنیم. همچنین تا توسط مخاطب بار شود. منطق‌ای خود را دارد و با

پاسا باقی‌بقیه‌های کونتراین می‌تواند عاطفانی به‌عطفه دیگر با سبک‌تری‌کند.

به راحتی می‌توان طی کرد از موقعیتی به موقعیت دیگر در ضمن همان‌گونه که

گفتم با هر پیشینی. داستان که با یک فرجام خوش یا بد ختم می‌شود. نتیجه می‌رسد

که معمولاً در خدمت تفرج مخاطب است. یعنی ذهن او را نسبت به تمام

حواسی که از نظر نظری و عاطفی در خود حمل می‌کند آزرده و سبک‌تری‌کند.

کمدی‌های اولیه هم در ابتدا به‌مصومه چهره‌های خنده‌دار می‌بودند که برای مردمان آن دوران معنا داشت. مثلاً تئاتر مخبر ک فیلوسوف آن دوران بگوید که

مضامینی برسید که بعد از کمدی شما ساخته شد. کمدی‌های کهن ایندا

بنوانه برای من تأمین کند، ما فیها و عصاره این کلمه را برای من تأمین کند،

این ریخته‌ست و مهر است و مساله اثر خلی رمان نیست. گرچه که بیشتر

این تأثیر را در کمدی پیدا نمی‌کنم. کمتر اتفاق می‌افتد در کمدی این با شما

بیاچار برای من رخ دهد. اما باز هم قطعی نمی‌گویم. برای اینکه گاهی واقعا

این اتفاق می‌افتد. آثار ژیل سایمون برای من افتاده که در تفسیر نیافته‌ام

است. اگر این تأثیر روی من بگذارد، من بعد نگاه می‌کنم تا ببینم باز چه

بوده است. اما اگر منعمه آماری را در نظر بگیرم ناگزیرم بگویم تراژدی! ولی

ترجیح من دهم این طور نگاه نکنم.

در کدام دانشگاه بود؟

هنر و معماری در نیمه اول دهه ۷۰. یک جای حیرت‌انگیزی بود که آن لای

رو می‌حسوس بود. تقریباً تمام بزرگان، استادان بنده را درگزید. مرحوم

هوشتنگ گلیشتری. سبتر برای من اولین تجربه بود که اینها سبک‌های کهن را

می‌ورد و دلیلی ندارم در د مسیر او قرار بگیرم با کتکش کنم. آن چیزی که

جایال میرصادقی به به نظرم بهترین معتمد تئوری داستان‌نویسی است. همه

بزرگان کنار هم گذر آمدند تا به ما یک سری و احداثی کوچک را درس بدهند.

چیزی که الان در بهترین جای دنیا سبخت می‌توان تحیل کرد. آدم‌هایی که

این کتاب‌هایی که در کتابخانه شما پیدا می‌شود را اینها نوشندند، به شما

درس بدهند. این خیلی حیرت‌انگیز است.

قرار آن را داستان ما آقای یضایی مثلاً فیلسفه خود می‌نویسد بیابانی پر

خوبی در آن ترجیح می‌دهم برای کسانی که باز آن نمایشنامه می‌خوانند،

خدا می‌تواند که در آنجا یکسری درس بخواند. به نظر من خوب است. به نظر من

خوبی در آن ترجیح می‌دهم برای کسانی که باز آن نمایشنامه می‌خوانند،

خدا می‌تواند که در آنجا یکسری درس بخواند. به نظر من خوب است. به نظر من

خوبی در آن ترجیح می‌دهم برای کسانی که باز آن نمایشنامه می‌خوانند،

خدا می‌تواند که در آنجا یکسری درس بخواند. به نظر من خوب است. به نظر من

خوبی در آن ترجیح می‌دهم برای کسانی که باز آن نمایشنامه می‌خوانند،

خدا می‌تواند که در آنجا یکسری درس بخواند. به نظر من خوب است. به نظر من

خوبی در آن ترجیح می‌دهم برای کسانی که باز آن نمایشنامه می‌خوانند،

خدا می‌تواند که در آنجا یکسری درس بخواند. به نظر من خوب است. به نظر من

خوبی در آن ترجیح می‌دهم برای کسانی که باز آن نمایشنامه می‌خوانند،

خدا می‌تواند که در آنجا یکسری درس بخواند. به نظر من خوب است. به نظر من

خوبی در آن ترجیح می‌دهم برای کسانی که باز آن نمایشنامه می‌خوانند،

خدا می‌تواند که در آنجا یکسری درس بخواند. به نظر من خوب است. به نظر من

خوبی در آن ترجیح می‌دهم برای کسانی که باز آن نمایشنامه می‌خوانند،

خدا می‌تواند که در آنجا یکسری درس بخواند. به نظر من خوب است. به نظر من

خوبی در آن ترجیح می‌دهم برای کسانی که باز آن نمایشنامه می‌خوانند،

خدا می‌تواند که در آنجا یکسری درس بخواند. به نظر من خوب است. به نظر من

خوبی در آن ترجیح می‌دهم برای کسانی که باز آن نمایشنامه می‌خوانند،

خدا می‌تواند که در آنجا یکسری درس بخواند. به نظر من خوب است. به نظر من

خوبی در آن ترجیح می‌دهم برای کسانی که باز آن نمایشنامه می‌خوانند،

خدا می‌تواند که در آنجا یکسری درس بخواند. به نظر من خوب است. به نظر من

خوبی در آن ترجیح می‌دهم برای کسانی که باز آن نمایشنامه می‌خوانند،

خدا می‌تواند که در آنجا یکسری درس بخواند. به نظر من خوب است. به نظر من

خوبی در آن ترجیح می‌دهم برای کسانی که باز آن نمایشنامه می‌خوانند،

خدا می‌تواند که در آنجا یکسری درس بخواند. به نظر من خوب است. به نظر من

خوبی در آن ترجیح می‌دهم برای کسانی که باز آن نمایشنامه می‌خوانند،

خدا می‌تواند که در آنجا یکسری درس بخواند. به نظر من خوب است. به نظر من

خوبی در آن ترجیح می‌دهم برای کسانی که باز آن نمایشنامه می‌خوانند،

خدا می‌تواند که در آنجا یکسری درس بخواند. به نظر من خوب است. به نظر من

خوبی در آن ترجیح می‌دهم برای کسانی که باز آن نمایشنامه می‌خوانند،

خدا می‌تواند که در آنجا یکسری درس بخواند. به نظر من خوب است. به نظر من

خوبی در آن ترجیح می‌دهم برای کسانی که باز آن نمایشنامه می‌خوانند،

خدا می‌تواند که در آنجا یکسری درس بخواند. به نظر من خوب است. به نظر من

خوبی در آن ترجیح می‌دهم برای کسانی که باز آن نمایشنامه می‌خوانند،

خدا می‌تواند که در آنجا یکسری درس بخواند. به نظر من خوب است. به نظر من

خوبی در آن ترجیح می‌دهم برای کسانی که باز آن نمایشنامه می‌خوانند،

خدا می‌تواند که در آنجا یکسری درس بخواند. به نظر من خوب است. به نظر من

خوبی در آن ترجیح می‌دهم برای کسانی که باز آن نمایشنامه می‌خوانند،

خدا می‌تواند که در آنجا یکسری درس بخواند. به نظر من خوب است. به نظر من

خوبی در آن ترجیح می‌دهم برای کسانی که باز آن نمایشنامه می‌خوانند،

خدا می‌تواند که در آنجا یکسری درس بخواند. به نظر من خوب است. به نظر من

خوبی در آن ترجیح می‌دهم برای کسانی که باز آن نمایشنامه می‌خوانند،

خدا می‌تواند که در آنجا یکسری درس بخواند. به نظر من خوب است. به نظر من

خوبی در آن ترجیح می‌دهم برای کسانی که باز آن نمایشنامه می‌خوانند،

خدا می‌تواند که در آنجا یکسری درس بخواند. به نظر من خوب است. به نظر من

خوبی در آن ترجیح می‌دهم برای کسانی که باز آن نمایشنامه می‌خوانند،

خدا می‌تواند که در آنجا یکسری درس بخواند. به نظر من خوب است. به نظر من

خوبی در آن ترجیح می‌دهم برای کسانی که باز آن نمایشنامه می‌خوانند،

خدا می‌تواند که در آنجا یکسری درس بخواند. به نظر من خوب است. به نظر من

خوبی در آن ترجیح می‌دهم برای کسانی که باز آن نمایشنامه می‌خوانند،

خدا می‌تواند که در آنجا یکسری درس بخواند. به نظر من خوب است. به نظر من

خوبی در آن ترجیح می‌دهم برای کسانی که باز آن نمایشنامه می‌خوانند،

که قبول می‌کنم بخوانم با خودم انتخاب می‌کنم بخوانم، با درصدهایی با هم

فرق داشته باشد ولی هیچ‌کدام فاقد جاذبه برای من نیست. برای من جذابیت

کتاب برای مخاطب عام خیلی اهمیت دارد. برای اینکه فرهنگ‌سازی

خوبشگ گلیشتری. سبتر برای من اولین تجربه بود که اینها سبک‌های کهن را

می‌ورد و دلیلی ندارم در د مسیر او قرار بگیرم با کتکش کنم. آن چیزی که

جایال میرصادقی به به نظرم بهترین معتمد تئوری داستان‌نویسی است. همه

بزرگان کنار هم گذر آمدند تا به ما یک سری و احداثی کوچک را درس بدهند.

چیزی که الان در بهترین جای دنیا سبخت می‌توان تحیل کرد. آدم‌هایی که

این کتاب‌هایی که در کتابخانه شما پیدا می‌شود را اینها نوشندند، به شما

درس بدهند. این خیلی حیرت‌انگیز است.

قرار آن را داستان ما آقای یضایی مثلاً فیلسفه خود می‌نویسد بیابانی پر

خوبی در آن ترجیح می‌دهم برای کسانی که باز آن نمایشنامه می‌خوانند،

خدا می‌تواند که در آنجا یکسری درس بخواند. به نظر من خوب است. به نظر من

خوبی در آن ترجیح می‌دهم برای کسانی که باز آن نمایشنامه می‌خوانند،

خدا می‌تواند که در آنجا یکسری درس بخواند. به نظر من خوب است. به نظر من

خوبی در آن ترجیح می‌دهم برای کسانی که باز آن نمایشنامه می‌خوانند،

خدا می‌تواند که در آنجا یکسری درس بخواند. به نظر من خوب است. به نظر من

خوبی در آن ترجیح می‌دهم برای کسانی که باز آن نمایشنامه می‌خوانند،

خدا می‌تواند که در آنجا یکسری درس بخواند. به نظر من خوب است. به نظر من

خوبی در آن ترجیح می‌دهم برای کسانی که باز آن نمایشنامه می‌خوانند،

خدا می‌تواند که در آنجا یکسری درس بخواند. به نظر من خوب است. به نظر من

خوبی در آن ترجیح می‌دهم برای کسانی که باز آن نمایشنامه می‌خوانند،

خدا می‌تواند که در آنجا یکسری درس بخواند. به نظر من خوب است. به نظر من

خوبی در آن ترجیح می‌دهم برای کسانی که باز آن نمایشنامه می‌خوانند،

خدا می‌تواند که در آنجا یکسری درس بخواند. به نظر من خوب است. به نظر من

خوبی در آن ترجیح می‌دهم برای کسانی که باز آن نمایشنامه می‌خوانند،

خدا می‌تواند که در آنجا یکسری درس بخواند. به نظر من خوب است. به نظر من

خوبی در آن ترجیح می‌دهم برای کسانی که باز آن نمایشنامه می‌خوانند،

خدا می‌تواند که در آنجا یکسری درس بخواند. به نظر من خوب است. به نظر من

خوبی در آن ترجیح می‌دهم برای کسانی که باز آن نمایشنامه می‌خوانند،

خدا می‌تواند که در آنجا یکسری درس بخواند. به نظر من خوب است. به نظر من

خوبی در آن ترجیح می‌دهم برای کسانی که باز آن نمایشنامه می‌خوانند،

خدا می‌تواند که در آنجا یکسری درس بخواند. به نظر من خوب است. به نظر من

خوبی در آن ترجیح می‌دهم برای کسانی که باز آن نمایشنامه می‌خوانند،

خدا می‌تواند که در آنجا یکسری درس بخواند. به نظر من خوب است. به نظر من